

الگوی جامعه پردازی نظام مردم سالاری دینی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی

سید محمدرضا محمودپناهی^۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۲/۰۶/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۲/۰۹/۱۹

چکیده:

با توجه به اهمیت ملت سازی و ضرورت تدوین الگوی ویژه جامعه سازی در نقشه راه ۵ مرحله ای تمدن نوین اسلامی در این پژوهش الگوی جامعه پردازی در نظام مردم سالاری دینی بر اساس مفاد بیانیه گام دوم بررسی می شود. پرسش اصلی این است که الگوی جامعه پردازی در بیانیه گام دوم چه شاخصه هایی دارد؟ این پژوهش در چارچوب نظریه نظام انقلابی و با ابزار کتابخانه ای و روش توصیفی - تحلیلی به جمع آوری و تحلیل داده ها می پردازد. بر اساس دستاوردهای این مقاله الگوی جامعه پردازی نظام مردم سالاری دینی در بیانیه گام دوم متفاوت از الگوی جامعه پردازی دولت - ملت غربی و در جهت الگوی جامعه پردازی ملت - امت اسلامی است، در این الگو از جامعه پردازی؛ پیشرفت همه جانبه جامعه بر پایه الگوی پیشرفت ایرانی اسلامی آغاز و با تقویت همزمان هویت ملی و اسلامی؛ ارتقاء رفاه و پیشرفت اقتصادی، مبارزه با فساد و برقراری عدالت، دولت سازی کارآمد در چارچوب مردم سالاری دینی محقق می شود و با تعاملات منطقه ای و ایجاد اجماع امت اسلامی زمینه تاسیس تمدن نوین اسلامی را فراهم می آید.

واژگان اصلی: جامعه پردازی، ناسیونالیسم، مردم سالاری دینی، تمدن نوین اسلامی، ملت - امت، بیانیه گام دوم.

مقدمه

رهبر انقلاب اسلامی مسیر آینده توسعه ملی و منطقه ای ایران را با صدور «بیانیه‌ی گام دوم انقلاب» به‌مثابه منشوری برای «دومین مرحله‌ی خودسازی، جامعه‌پردازی و تمدن‌سازی» و «فصل نوین حیات جمهوری اسلامی به منظور «جهاد بزرگ برای ساختن ایران اسلامی بزرگ» در جهت آرمان ایجاد تمدن نوین اسلامی ترسیم نموده‌اند. دلیل اصلی اولویت بررسی موضوع الگوی جامعه‌سازی در این پژوهش این است که جامعه‌سازی در گام دوم انقلاب برای دستیابی به جامعه صالح نقش تعیین‌کننده‌ای دارد، زیرا صرفاً جامعه صالح می‌تواند منتظر مصلح باشد؛ در بحران‌ها، نقشه‌ها، جنگ نرم و رسانه‌ای دشمن مقاومت کند و سره را از ناسره سیاسی و فرهنگی تشخیص دهد، بر جنگ شناختی در فضای شبکه‌های اجتماعی مورد حمایت غرب غلبه کند و هزینه‌های تحول و تمدن‌سازی به سبک متمایز و مستقل اسلامی را بپردازد. از طرفی این الگوی جامعه‌سازی امت‌گرا بوده و متمایز از الگوی دولت ملت غربی است، انقلاب اسلامی در چهل سال اول درگیر تاسیس و حفظ سیستم سیاسی مردمی و دینی متناسب با اهداف تمدن نوین اسلامی بوده و در این مسیر با تهدیدات، تحریم، جنگ، تروریسم و بحران آفرینی‌های خسارت بار تمدن وحشی غرب که الگوی تجدید حیات اسلامی امام خمینی (ره) را رقیب و بلکه دشمن خود برشمرده؛ مواجه شده است؛ در شرایطی که غرب از حیث تهدید بقا بر نظام سیاسی جدید که هم مردمی و هم اسلامی است ناکام شده و به تحریم‌های فلج‌کننده و ایجاد بحران‌های داخلی و منطقه‌ای روی آورده، فضای گفتمانی این نظام سیاسی در فرایند عجیبی علاوه بر اقتدار ملی؛ نفوذ منطقه‌ای به وسعت خاورمیانه از دیای خزر تا دریای سیاه را برای ایران فراهم نموده به نحوی که از طرفی ناسیونالیست‌های ایرانی و کارگزاران نظام نظیر اردشیر زاهدی وزیر امور خارجه شاه و از طرف دیگر طرفداران اسلام سیاسی را به هیجان آورده است؛ اما اثربخشی تحریم‌ها یا امکان بروز بحران‌های سیاسی هر ده سال یک بار و از دست رفتن دستاوردهای منطقه‌ای زمینه را برای تحول سیاست‌ها به سمت حضوری کامل تر و همه‌جانبه تر بر اساس الگوی متمایزی فراهم نموده که هم به ملت توجه دارد و هم امت را حرکت می‌دهد.

اهمیت: با لحاظ این که ورود انقلاب اسلامی به مرحله‌ی جامعه‌پردازی به مفهوم تلاش برای پرورش جامعه مطلوب از اهمیت مضاعفی در فرایند تحول و پیشرفت ایران برخوردار است، از طرفی الگوهای سستی حکمرانی در پس زمینه‌های فرهنگی و حافظه تاریخی به دنبال فتح یکشنبه

همه قلل موفقیت بدون پابندی به الزامات اجتماعی، فرهنگی و علمی پیشرفت و تنها با اتکاء به زور دولت و وابستگی به اجنبی است و از طرف دیگر الگوی جامعه سازی ناسیونالیستی شبه غربی قرار دارد که صرفاً با تبلیغ دستاوردهای توسعه غربی و تحقیر هویت ایرانی-اسلامی به دنبال تکمیل نقشه استعمار فرانو کشور است، وجه اشتراک هر دو جریان عدم سرمایه گذاری برای جامعه سازی، عدم باور به امکانیت تمدن نوین اسلامی در زمینه و زمانه مدرنیته و نفی هر گونه امکان استقلال و هویت سازی جدید است و جامعه سازی متناسب با تمدن نوین اسلامی باطل کننده نیات و اقدامات این دو جریان سیاسی و ایجاد کننده زمینه اجتماعی دولت و تمدن نوین اسلامی است.

ضرورت: در این مقاله با بررسی بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی به الگوی جامعه پردازی در چهل سال دوم انقلاب اسلامی خواهیم پرداخت، شاخص های جامعه پردازی در گام دوم طبعاً متمایز از الگوی دولت-ملت (Nation-state) در توسعه سیاسی لیبرال و بر مردمسالاری دینی و سبک زندگی اسلامی استوار است. آنچه در سراسر بیانیه گام دوم انقلاب رهبر انقلاب آیت الله خامنه ای برجسته است؛ تقدم تحول و پیشرفت جامعه بر دیگر جهات تحول است، حتی خود بیانیه هم کنشی سیاسی برای شروع پیشرفت های جامعه محور و سپس پیشرفت های اقتصادی، اجتماعی، علمی و ... است. لذا، در این پژوهش به دنبال بررسی الگوی جامعه پردازی گام دوم انقلاب اسلامی بر اساس الگوی بیانیه آیت الله خامنه ای هستیم و استدلال خواهیم نمود که الگوی جامعه پردازی دولت-ملت در اروپا بر پایه معاهده وستفاليا (Treaty of Westphalia) توسعه پیدا کرده و مبتنی بر دو رویه جداسازی دین از سپهر سیاست و سلطه تمدنی غرب است، این الگو بصورت ناقص و ناکام در قالب جریان های ناسیونالیستی و غربگرا وارد کشورهای جهان سوم از جمله ایران شد؛ در ایران معاصر هرچند به تحول نظام سیاسی از پادشاهی مطلقه به مشروطه منجر شد؛ اما مردم بر پایه رهبری مراجع و فقها در برابر فردی کردن دین و سلطه و استعمار تمدنی غرب واکنش سیاسی نشان دادند و اسلام سیاسی را با انقلاب ۱۳۵۷ش به فعلیت رساندند و الگوی دولت ملی را با الگوی جامعه پردازی ملت-امت (Nation-Ummah) با دو سویه مردمسالاری دینی و تمدن نوین اسلامی جایگزین نمودند.

در طول چهل سال اول بعد انقلاب، قدرت های غربی با حمایت جریان های تجدید نظر طلب، تجزیه طلب، جنگ، تروریسم و اعمال تحریم های فلج کننده به دنبال نابودی یا حداقل

محدودسازی این الگو بوده اند و برخی سیاست مردان و اندیشمندان داخلی غربگرا نیز با تلاش برای تئوریزه کردن و اجرای سند های توسعه غربی نظیر سند ۲۰۳۰ و تنظیم نقشه راه توافقات برجامی ۱، ۲ و ۳؛ از بین بدن نفوذ منطقه ای و ابزارهای قدرت ملی از جمله جریان به هم پیوسته مقاومت را هدف گرفته اند؛ در مقابل رهبری انقلاب در آغاز چهل سال دوم انقلاب اسلامی با صدور بیانیه گام دوم بر تقویت دو بعد ملت و امت تاکید نمودند و جامعه پردازی را از عامل های بنیادین تحولات ایران و جهان اسلام معرفی کردند؛ لذا در این مقاله بر اساس بیانیه گام دوم و در چارچوب الگوی ملت-امت شاخص های جامعه پردازی بررسی خواهد شد.

۱. پیشینه پژوهش

ابعاد بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی در پژوهش ها و مقالات مختلفی موضوع تحقیق قرار گرفته که مواردی که قرابت بیشتری داشته و اخیرا منتشر شده اند، در جدول ذیل مورد بررسی قرار گرفته است:

نویسندگان- روش استفاده شده	اهداف و یا سئوالات اصلی	مهمترین یافته ها
سرپرست سادات (۱۳۹۸) روش توصیفی و تحلیلی	آیا میان «جوشش انقلابی» که مقتضای تحرک، بسیج، خصال جهادی، حرکت و تغییر خواهی مستمر است و «جامعه سازی» که برابند نظم و ثبات اجتماعی است، تضاد و تنافری وجود ندارد؟	در این پژوهش نوع رابطه بین جوشش انقلابی و جامعه سازی در اندیشه مقام معظم رهبری بررسی شده و به این نتیجه رسیده است که میان انقلابی گری و نظم اجتماعی و حتی نظم سیاسی تضاد و تنافری وجود ندارد
رحیمی (۱۳۹۶) روش تبیین علی	استراتژی های ملت سازی چه تأثیری بر نابرابری های منطقه ای در ایران داشته اند؟	در این مقاله رابطه میان استراتژی های ملت سازی و توسعه نامتوازن منطقه ای در ایران در دوره های پهلوی و جمهوری اسلامی در مقاله، «استراتژی های ملت سازی و توسعه ناموزون در ایران» مورد بررسی قرار گرفته است و یافته های حاصل از این مطالعه نشان می دهد که مؤلفه های تمرکزگرایی سیاسی اقتصادی و سیاست اصلاحات از بالا در ایجاد توسعه نامتوازن مؤثر بوده اند

در این پژوهش ویژگی‌ها و شاخصه‌های معنویت‌گرایی، علم‌گرایی، شایسته‌سالاری، عقلانیت‌محوری، مشارکت‌جویی، قانون‌محوری، شفافیت‌گرایی، و بوم‌گرایی اقتصادی در دولت تراز انقلاب اسلامی منطبق بر متن بیانیه گام دوم مورد بررسی قرار گرفته است	دولت مطلوب و تراز انقلاب اسلامی باید دارای چه ویژگی‌ها و شاخصه‌هایی باشد تا بتواند در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی نقش محوری ایفا کند؟	نجفی سیار و نیکونهاد، (۱۳۹۹) توصیفی-تحلیلی و ابزار کتابخانه‌ای
در این مقاله مهم‌ترین مؤلفه‌های الگوی حکمرانی گام نخست اعم از: انقلاب اسلامی نویددهنده ظهور جهان جدید، تقدم‌بخشی به فرهنگ و معنویت، عدم اتکای صرف بر منطق هزینه و فایده اقتصادی، تمرکز بر جهاد علمی و اهم دلالت‌های سیاستگذارانه بیانیه گام دوم برای فراهم‌سازی بستر تأسیس تمدن نوین اسلامی-ایرانی بررسی شده است	بررسی الگوی حکمرانی گام اول انقلاب و دلالت‌های سیاستگذارانه بیانیه گام دوم	نوده فراهانی (۱۳۹۹) تکنیک آشنایی‌زدایی و پس کاوی
این پژوهش مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی شامل عدالت و مبارزه با فساد، معنویت و اخلاق، استقلال و آزادی و عوامل تحقق تغییر در بیانیه شامل نیروی انسانی، علم و پژوهش، بهره‌مندی از منابع طبیعی و اقتصاد مقاومتی را مورد بررسی قرار می‌دهد.	تبیین مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی در بیانیه‌ی گام دوم انقلاب	مریجی (۱۳۹۸) تحلیل محتوای کیفی
در این مقاله الگوی حکمرانی خوب در گام دوم مبتنی بر مؤلفه-های مدیریت جهادی، استفاده از ظرفیت‌های طبیعی و انسانی، نظریه نظام انقلابی، مردم سالاری دینی، خودسازی، جامعه سازی، تمدن سازی نوین اسلامی، تضمین آزادی‌های فردی و اجتماعی، عدالت و مبارزه جدی با مفساد اقتصادی، نفی تصدی-گری دولت، مردمی کردن اقتصاد، تقویت تولید، ملازمت اخلاق و معنویت، ثبات و امنیت را ت بررسی شده است.	ارائه الگوی حکمرانی خوب و کارایی و اثربخشی در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی	اقبال و رجبی فرجاد (۱۳۹۹) تحقیق اسنادی و تحلیل محتوای
این مقاله با مروری بر بیانات رهبری در قالب یک مدل مفهومی، با شش بعد خودشناسی، هدف داری و آینده نگری، معنویت و اخلاق، کسب معرفت، تقویت روحیه و خود باوری، قدرت اراده و ایمان، سعی در تبیین بیانیه گام دوم انقلاب در حوزه خودسازی داشته است.	بررسی مؤلفه های خودسازی در بیانیه گام دوم	فروغ رودگرنژاد (۱۴۰۰) توصیفی- مروری تحلیلی

این مقاله بدنبال بهره‌گیری از بیانیه گام دوم انقلاب، «مدل توانمندسازی جوانان برای ایجاد تمدن نوین اسلامی» را طراحی و ارائه است. یافته‌های به‌دست‌آمده «مدلی» شامل ابعاد و مقوله‌های عوامل توانمندسازی در چهار مقوله «معنوی و اخلاقی»، «معرفت‌شناختی»، «روان‌شناختی» و «جامعه‌شناختی»، عوامل زمینه‌ساز، عوامل بازدارنده توانمندسازی و نتایج توانمندسازی است.	مدل توانمندسازی جوانان برای تحقق حکمرانی اسلامی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب	امیر حمزه مهرابی و مهرابی (۱۳۹۹) داده بنیاد (GT)
بنا بر نتایج این مقاله ماهیت حکومت انقلابی توحیدی است و در رویکرد تاریخی و تطبیقی شباهت‌هایی با جامعه عصر پیامبر اعظم در ابتدای شکل‌گیری و ادامه راه دارد. اما در شرایط کنونی با وجود حرکت رو به جلو، در معرض آسیب ارتجاعی قرار گرفته است؛ برای جلوگیری از وقوع استرداد باید با تربیت یک مرد انقلابی از ماهیت آن محافظت کند.	The Status Ology of the Revolutionary Government in the Second Phase of the Islamic Revolution Emphasizing the Intellectual System of the Supreme Leader	Atefeh Khademi, Fatemeh Taghizadeh Naser Mohammadi (2021) تحلیل محتوای کیفی

پژوهش‌های ارزنده فوق به بررسی استراتژی‌های پیش رو، دلالت‌های آینده‌نگرانه، فرصت - تهدیدها، مولفه‌های پیشرفت در گام اول و دلالت‌های سیاست‌گذارانه دولت و ملت در بیانیه گام دوم پرداخته‌اند؛ اما مهمترین بعد نوآورانه این پژوهش استخراج الگوی متمایز جامعه پردازی گام دوم در قالب الگوی ملت-امت است. در کلیه پژوهش‌های فوق به ابعاد جامعه‌سازی متناسب با تمدن نوین اسلامی پرداخته نشده و بویژه از زاویه امت‌گرایی، جامعه‌سازی تبیین نشده است، واقعیت این است که اسلام و مدل حکمرانی ولایت در افق تمدن‌سازی بر پایه مرزهای عقیدتی و ایمانی یا همان امت اسلامی و نه مرزهای ملی مستقر خواهد شد، اما این به معنای از بین رفتن مرزهای ملی نیست؛ حکمرانی موفق و کارآمد بر مبنای قوانین اسلامی در درون مرزهای ملی مقدمه‌ای بر حکمرانی فراملی منطقه‌ای و جهانی امت اسلامی است. همچنین، اقتضای ادامه حیات و پیشرفت نظام سیاسی جمهوری اسلامی ورود به لایه‌های عمیق‌تر تحول اجتماعی و ایجاد نسلی تحول‌گرا در ملت و جهان اسلام بر پایه جامعه پردازی امت‌گرا است؛ در این پژوهش ابعاد این الگو از جامعه پردازی واکاوی خواهد شد.

۲. چارچوب نظری و روش پژوهش

از دیدگاه بیانیه گام دوم، با ورود به دهه پنجم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی، بعد از نظام سازی و دولت سازی و برای تنظیم مناسبات زندگی اجتماعی انسان ها در هزاره جاری جامعه سازی؛ ضروری است. "نظریه نظام انقلابی" چارچوب الگوی جامعه سازی است؛ در نظریه انقلابی گری در عین ابتناء کنش ها بر شعار، روحیه، حرکت، جوشش، بسیج، خصال جهادی، حرکت و تغییر خواهی مستمر؛ نظم و ثبات اجتماعی هم برقرار است و در اندیشه مقام معظم رهبری بین انقلابی گری و نظم اجتماعی و سیاسی تضاد و تنافری وجود ندارد و بایسته های شکل دهی به جامعه مطلوب نظام اسلامی، انقلابی گری در قالب نظریه نظام انقلابی است (سرپرست سادات، ۱۳۹۸، ۲۸۸). این نظریه از مهم ترین تجربیات اندوخته شده در گام اول انقلاب اسلامی است که دارای سه بُعد اندیشه‌ای، گرایشی و عملی؛ یعنی اندیشه انقلابی، روحیه انقلابی و عمل جهادی است (قربانی و محمدی الموتی، ۱۳۹۸: ۳۳). در نظریه نظریه نظام انقلابی توسعه مستمر نظام مطرح می شود که طبق آن نظام اسلامی «همچون پدیده‌ای زنده و با اراده، همواره دارای انعطاف و آماده‌ی تصحیح خطاهای خویش است، اما تجدیدنظرپذیر و اهل انفعال نیست. انقلاب اسلامی پس از نظام‌سازی، به رکود و خموشی دچار نشده و نمی شود و میان جوشش انقلابی و نظم سیاسی و اجتماعی تضاد و ناسازگاری نمی بیند، اما در برابر پدیده‌ها و موقعیت های جدید حساس و به مرزبندی‌های با رقیبان و دشمنان پایبند است» (خامنه‌ای، بیانیه گام دوم). لذا، بنابر نظریه نظام انقلابی، توسعه مستمر، تحول اجتماعی و بالاخص پیشرفت سیاسی از الزامات تحقق پیشرفت ایران در گام دوم انقلاب اسلامی خواهد بود. مهمترین شخص های این نظریه موارد زیر است:

- تحول خواهی در چارچوب عقلانیت و ثبات
- مرحله‌ای و فرایندی دین تحولات نظام پس از انقلاب در چارچوب فرایند تاسیس تمدن نوین اسلامی
- خلاقیت، نوآوری و انعطاف برای حفظ استقلال در عین تعاملات گسترده بین المللی
- تحول از الگوی جامعه دولت-ملت به جامعه دولت-ملت-امت

در چارچوب این نظریه، اهداف و رسالت نظام اسلامی محدود به داخل صرفا به تغییر زمامداران و تحول سیاسی نخواهد بود، انقلاب مستمر در ساختارهای عاریتی و ضعیف اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی و سیاسی ایران بر پایه الگوی ملت-امت تا تحقق تمدن نوین اسلامی ادامه

خوهد یافت؛ و همچنین نظام سیاسی اسلامی از لحاظ منطقه ای و بین المللی توازن جدیدی را حاکم خواهد کرد، سبب تک قطبی را بر هم خواهد زد و با رهبری امت فراتر از مرزها را در خواهد نوردید و به ظرفیتی فراملی ایجاد خواهد کرد.

روش پژوهش در این مقاله بر اساس راهبرد کیفی و روش توصیفی - تحلیلی است، به این ترتیب که به وسیله ابزار کتابخانه ای و جستجوی منابع اینترنتی، داده های موضوع پژوهش جمع آوری می شود و سپس بر مبنای مراحل منطقی و استدلالی پاسخ به پرسش اصلی پژوهش داده های مرتبط در کنار هم قرار داده می شود و مورد تحلیل عقلانی و استنتاج منطقی قرار می گیرد. در این پژوهش پرسش اصلی این است که: "الگوی جامعه پردازی نظام مردمسالاری دنی بر اساس بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی چیست؟" برای پاسخ به این سوال و بر اساس منابع مکتوب کتابخانه ای و مقالات منتشره به صورت نوآورانه ای از مدل دولت-ملت تمدن غرب عبور کرده و شاخص های الگوی بیانیه بر مبنای الگوی دولت-ملت-امت مستخرج شده است؛ بدین ترتیب که به ترتیب به پرسش های فرعی زیر پاسخ داده شده است تا پاسخ سوال اصلی مکشوف گردد:

- جامعه پردازی معاصر در الگوی غالب یعنی الگوی تمدنی غرب به چه صورتی بوده است؟
- الگوی جامعه پردازی ناسیونالیستی غرب در ایران چه پیشرفتی داشته است؟
- جامعه پردازی در الگوی اسلام سیاسی یعنی ملت-امت یا ملت-دولت-امت به چه مفهومی است؟
- شاخص های الگوی جامعه پردازی ملت-امت در بیانیه گام دوم چیست؟

۳. جامعه پردازی در الگوی دولت-ملت

ایده دولت ملی با ظهور سیستم مدرن دولت ها در معاهده وستفاليا (۱۶۴۸) همراه بوده است. برخلاف دولت های چند ملیتی، دولت شهر، امپراتوری، کنفدراسیون یا دولت فدرال؛ دولت-ملت یک واحد سیاسی است که در آن دولت و ملت همسو هستند، دولت ملی یک کشور یا قلمرو اداری بزرگ و از نظر سیاسی مستقل است که غالباً توسط یک قومیت اداره می شود. در اروپا ابتدا ملت وجود داشت، سپس جنبش های ملی گرایانه دموکراتیک و لیبرال برای حذف ساختارهای سلطنتی قدیمی و ایجاد حاکمیت های ملی بوسیله دولت های ملی به وجود آمدند. دولت ها برای متحد کردن و مدرن سازی از ترویج ایدئولوژی ملی گرایی، احساسات ناسیونالیستی، آموزش دولتی، صنعتی سازی، ترسیم مرزهای ملی، رسانه های جمعی و تشکیل اتحادهای ملی سستی و مدنی بهره بردند. بارزترین تأثیر دولت ملت، ایجاد فرهنگ ملی واحد از طریق سیاست دولتی در ترویج یک

زبان ملی و ایجاد نظام های ملی آموزش است. در حالت ایده آل، مرزهای یک دولت ملی به اندازه ای گسترش می یابد که همه اعضای ملت و همه میهن ملی را شامل شود.

یک دولت-ملت مدرن نظامی سیاسی و قانونی است که به طور مؤثر و پویا با تسلط بر اقتصادهای صنعتی حکومت می کند، نسبت به قلمرو حاکمیت خود نیمه مقدس و غیرقابل انتقال عمل می نماید، از دولت به عنوان ابزار وحدت ملی در زندگی اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی استفاده می کند، با لغو آداب و رسوم و عوارض داخلی، وحدت اقتصادی را ارتقا می بخشد، معمولاً سیاستی برای ایجاد و حفظ زیرساخت های حمل و نقل ملی، تسهیل تجارت و سفر دارد، دارای اداره عمومی متمرکز و یکنواخت است، بدنال ایجاد فرهنگ ملی واحد از طریق سیاست دولتی با یک نسب مشترک، زبان مشترک و بسیاری از اشکال فرهنگ مشترک متحد است (Hughes, 1999: 991). لذا، در دولت-ملت سازی، جامعه سیاسی تلاش می کند تا از طریق انباشت قدرت و توسعه ظرفیت نهادی، خودمختاری، حاکمیت و استقلال، همبستگی و یکپارچگی اجتماعی و ثبات سیاسی بویژه در مفهوم توسعه نهادهای دموکراتیک؛ تکامل هر چه بیشتر دولت و ملت بصورت ساختی درهم تنیده و تجزیه ناپذیر کسب، حفظ و ارتقا دهد (زرگر، ۱۳۸۶: ۱۱۷). دولت-ملت های مدرن و ایدئولوژی ملی گرایی مرهون زمینه های تاریخی از جمله سکولاریسم یا تفکیک میان مذهب و سیاست بوده که براساس آن زمینه های ملت سازی با گرایش های دنیاگرایانه فراهم شده و ملی گرایی مدرن بر این جدایی پای فشرده و بجای دین خود را عامل اصلی نظم دهنده و یکپارچه کننده ملت در دوره جدید دانسته است (قوام و قیصری، ۱۳۹۱: ۱۱).

در خاورمیانه پروژه دولت-ملت سازی بعد از فروپاشی امپراتوری عثمانی و با طراحی قدرت های بین المللی استعمارگر صورت گرفت و عامل ایجاد بحران در خاورمیانه بوده است. این دولت ها بصورت ناقص و شبه مدرن در درون مرزهای تعیین شده از سوی رژیم های استعماری تشکیل شدند و بدون فراهم بودن بسیاری از زیر ساخت های فرهنگی، اجتماعی و اقتصادی و با مدیریت و هدایت خارجی به استقلال رسیدند و به دلیل روند ناچسب و ابتر دولت-ملت سازی با بحران های بزرگ مواجه شدند (فرهودی مقدم و قوام، ۱۳۹۹: ۲۷۹). ضعف و تداوم بحران دولت-ملت سازی شبه دولت ها یا دولت های پسا استعماری جهان سوم موجب نزاع ها، ناامنی ها و بی ثباتی های داخلی، منطقه ای و بین المللی و ناتوانی در تامین کارکردهای اساسی دولت-ملت گشت و باعث شد نوع نظام سیاسی دولت - ملت توجیه پذیری عملکرد خود را از

دست دهد؛ زیرا انجام وظایف اساسی این قبیل دولت ها یعنی حفظ ایدئولوژی، اقتصاد و فرهنگ در سطح ملی باشد با بحران مواجه شده است و دولت های ملی نمی توانند سیاست های دلخواه خود را در عرصه های ملی کاملاً اعمال نمایند (امیرکواسمی، ۱۳۹۰: ۸۱).

۱/۳. الگوی جامعه پردازی دولت- ملت در ایران

الگوی جامعه پردازی دولت- ملت در ایران معاصر از اواخر عهد قاجار و با ورود مدرنیته به ساحت های سیاسی، اجتماعی، آموزشی و اقتصادی ایرانیان، آثار زیر را به همراه داشته است:

۱/۱. **مشروطه گرایی غربی:** مشروطه گرایی ایرانیان تجربه تاریخی تلخی از جامعه سازی به سبک غربی را به همراه آورد؛ در شرایطی که علما و مردم به دنبال مشروطه ای بودند که با اسلام همراه باشد، سلطنت مطلقه را مختومه نماید و حکومت بر اساس قانون و عدالت را بنیان نهد به نظام پهلوی رسیدند که هم وابسته به غرب بود و هم تابع قوانین شرعی و عرفی نبود.

۲/۱. **سکولاریسم و طرد دین:** در ملت سازی به سبک دولت-ملت و به تقلید از نهضت اصلاح مذهبی در رنسانس غرب، توسط سیاست مداران و روشنفکران غرب گرا دین اسلام و دین مسیحیت قرین و هم وزن گرفته شد و در نتیجه دین به عنوان افیون توده ها و نهادی دست پاگیر برای فرایندهای عقل گرای مدرنیته معرفی شد و جداسازی و انزوای دین و علما از دوران مشروطه تا دوران پهلوی بصورت روزافزونی در دستورکار قرار گرفت.

۳/۱. **وابستگی اقتصادی به نفت:** اقتصاد ایران از اواخر سلطنت قاجار که نفت کشف شد از اقتصاد تولیدی خارج شد و به نحو روزافزونی به اقتصاد تک محصولی تبدیل شد که با استخراج نفت توسط شرکت های غربی درصد کمی از درآمد نفتی به دولت ایران تعلق می گرفت.

۴/۱. **اشغال نظامی در دو جنگ جهانی:** نظام برآمده از مشروطه علی رغم اعلام بی طرفی در جنگ جهانی اول گرفتار هرج و مرج شد و درجنگ دوم جهانی نیز اعلام بی طرفی ایران به رسمیت شناخته نشد و بر اثر قحطی بزرگ ناشی از جنگ حدود نیمی از جمعیت ایران از بین رفت؛ همچنین مجدداً تا چند سال پس از پایان جنگ در اشغال کشورهای فاتح یعنی شوروی، انگلیس و آمریکا باقی ماند و درهیچکدام از این جنگ ها خسارات کشور و مردم ایران پرداخت نشد.

۵/۱. **خودباختگی و خود تحقیری فرهنگی:** از مشروطه به بعد نسلی از روشنفکران غربگرا حس خودباختگی در برابر پیشرفت های مادی غرب را به اقشار مختلف مردم ایران تزریق می کردند و فرهنگ بومی و ملی ایرانیان را تحقیر می نمودند.

۶/۱. ایجاد شکاف های اجتماعی: از همان اوان مشروطه اجتماع متحد مردم بر اثر مواجهه با ماهیت مشروطه گرفتار انشقاق شد و به دو دسته طرفداران مشروطه غربی و طرفداران مشروطه مشروعه منفک شدند.

۷/۱. ایجاد نظام آموزشی غیرمتناسب: توسعه نامتوازن از عهد ناصری به همان نگاهی که لوکوموتیو و دوربین عکاسی را به ایران وارد کردند، مدرسه و دانشگاه را وارد ایران کردند که به لحاظ ساختار و محتوا نتوانسته بود با نظام آموزشی کهن ایرانیان ارتباطی بیابد.

۸/۱. اتحاد با غرب و از دست رفتن منافع ملی: ایران پس از تبعید رضاشاه و بویژه بعد از کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۳۲ش. بعنوان متحد آمریکا و ژاندارم منطقه ای این کشور در جنوب غرب آسیا نقش ایفا نمود و در راه این اتحاد علاوه بر تقدیم منابع نفتی به شرکت های غربی در قالب کنسرسیوم، استان چهاردهم یعنی بحرین را که از زمان هخامنشیان جروی از خاک ایران بود به اشاره ملکه انگلستان به آل خلیفه واگذار نمود.

لذا، الگوی دولت های ملی در غرب با افق ایجاد و تعالی تمدن غربی ایجاد شد و طبعاً روی دیگر این سکه تضعیف الگوهای بالقوه قوی بویژه در جهان اسلام و ایران بود که قبل از اسلام تمدن ایرانی بسیار گسترده شده بود و بعد از ورود اسلام نیز این ایرانیان بودند که پایه های عظیم و محیرالعقول تمدن اسلامی را ز قرن چهارم هجری بنیان نهادند که تا قرن هشتم هجری ادامه یافت؛ به همین جهت غرب با نگر خصومت و غرض ورزانه رویه استعماری و چپاول گرایانه تمدن خود را به جهان اسلام صادر کرد و همین موضوع باعث مقاومت جوامع اسلامی و احیای فکر دینی برای حرکت به سوی شکوه و افتخار تمدنی سابق شد.

۴. جامعه پردازی در الگوی ملت-امت

جهان ایرانی در برگیرنده مجموعه ای از اقوام، آداب و رسوم، ادبیات و تاریخ و گستره جغرافیایی وسیع، از قرن هجدهم با حضور استعمارگران غربی در شرق، خودآگاهی فرهنگی ایرانی با هویت ملی پیوند یافت و ایرانیان در قرن بیستم تاریخ مشترک و زبان فارسی را در راستای هویت ملی بازتولید کردند (رفیعی آتانی و طاحونی، ۱۳۹۹: ۱۳۷). نسبت و رابطه گروه های اجتماعی شبه ملت با نهاد دولت در عصر پهلوی برپایه نوعی بیگانگی و گسست قرار گرفته که به تقابل و تضاد این دو نهاد و مشروعیت زدایی از گفتمان غالب سیاسی منتج شده است (فسایی و

دیگران، ۱۳۹۹: ۸۳). برخلاف محققانی که معتقدند وقوع انقلاب اسلامی در ایران نگرش به دولت ملی را دگرگون کرد؛ جمهوری اسلامی نیز هر چند به لحاظ هویتی، ارزشی و هنجاری تفاوت های بسیاری با حکومت پهلوی دارد، اما روند ناتمام دولت-ملت سازی را که بطور رسمی از زمان پهلوی اول آغاز شده بود، مطابق با هنجارهایش ادامه داد (ملایی و ازغندی، ۱۳۹۰: ۱۳۷). این پدیده مدرن قبل و بعد از انقلاب بعنوان یکی از مجموعه های نهادی در فرآیندهای نوسازی یکصد سال اخیر در عرصه عمومی ایران همچنان با چالش روبرو است (جلائی پور، ۱۳۸۸: ۳۲). هرچند، الگوی دولت-ملت نظامی بین المللی از کشورها بوجود آورده که اولویت اول آن ها منافع و مصالح ملی در چارچوب قوانین اساسی، دموکراتیزاسیون و سکولاریسم است، اما این الگو در مقابله با الگوهای سنتی حکمرانی در اروپا و آسیا و الگوهای مدرن تمامیت خواهی نتوانسته عملکرد قابل قبولی داشته باشد و در جوامع جهان سومی و در بین ملل اسلامی مروج سلطه استعماری غرب بوده و با اسلام و سنن مسلمانان تعارض پیدا کرده است؛ جهات ضد دینی الگوی دولت-ملت؛ اندیشمندان اسلامی را به احیای فرهنگ بومی و طراحی الگویی اسلامی واداشت که با انقلاب اسلامی از دهه ۱۹۷۹م این الگو برپایه مردم سالاری دینی و با هدف وحدت امت اسلامی نظام جهانی را با چالش مواجه نموده است.

در دیدگاه مقام معظم رهبری الگوی غربی دولت-ملت برای توسعه و جامعه پردازی الگویی شکست خورده و غیر قابل اتکاء است، «تمدن غربی الگوهای مدیریت و جامعه سازی و نظام سازی و حکومت را به میدان آورد و نشان داد؛ هم کمونیسم یک جور سوسیالیسم و کمونیسم انواع و اقسام سوسیالیسم هایی که دولت های مختلف به شکل آنها به وجود آمدند- و سرمایه داری و به اصطلاح لیبرالیسم و مانند اینها هم یک جور دیگر؛ اینها فراورده های غرب است و این فراورده ها شکست خورده؛ امروز این محصولات تمدن غربی در مدیریت جامعه و مدیریت بشر شکست خورده است... قلّه ی باشکوه این الگوی غربی سرمایه داری، آمریکا است که وضعیّت آن را مشاهده میکنید که به معنای واقعی کلمه یک الگوی شکست خورده است.» (خامنه ای، ۱۳۹۹/۶/۲) ناسیونالیسم و اکتفا به مرزهای ایران هم از لحاظ امنیتی و هم به لحاظ توسعه راهبرد غلطی است، همانطور که در برابر تروریسم و داعش راهبرد دفاع منطقه ای را بر دفاع در درون مرزها ارجح دانستند. در بیانیه گام دوم نیز بجای تاکید و تحدید مسیر ملت سازی و جامعه پردازی ملت ایران در محدوده های تنگ ملی گرایی به رسالتی جهانی برای ملت ایران و ضرورت رهبری

منطقه قائل هستند. ایشان بر دو عامل متحول کننده ملت و امت تاکید شده است که در مجموع الگویی نو جامعه پردازی و ملت سازی را در چهل سال دوم بعد از پیروزی انقلاب اسلامی شکل خواهد داد. سیر تحول گام دوم از تحولات مثبت جامعه ملی تا تغییرات سازه های اداری و رهبری امت اسلامی ادامه دارد، در واقع بر فرایند جامعه سازی دیدگاهی کلان تر از مدل سیاسی دولت-ملت مدرنیته حاکم است که در این پژوهش به عنوان الگوی جامعه سازی ملت-امت در نظر گرفته می شود. در این الگو، عامل دولت برخلاف الگوی ناسیونالیسم غربی، عامل تفرقه و اختلاف نیست و نقش تسهیل گری ارتباطات ملل اسلامی را در قالب جریان و گفتن مقاومت بر عهده خواهد داشت. از نگاه رهبری: «اسلام الگوی مستقل خودش را دارد. الگوی اسلامی برای نظام سازی و جامعه سازی به طور خلاصه یک الگویی است مرکب از ایمان و علم و عدل ... الگو این است که انسان این را در شعارها، در اظهارها، در جهت گیری ها، در حرکت هایی که در این ۴۱ سال در جمهوری اسلامی صورت گرفته، در شخصیت سازی هایی که صورت گرفته، میتواند مشاهده بکند... این الگو، الگویی است که اصول مسلم آنها را قبول ندارد؛ مدیران و جهت دهان آنها مبتلا به کج رفتاری و کج اندیشی در عمده ی مسائل زندگی هستند و الگوی جمهوری اسلامی، الگوی اسلامی، این را قبول ندارد و خطّ مستقیم را، خطّ حق را در مقابل باطل دنبال میکند؛ دشمنی های اینها به خاطر این است» (خامنه ای، ۱۳۹۹/۶/۲). لذا، در بیانیه گام دوم از طرفی نقش ملت ایران برجسته می شود؛ بعنوان ملتی که در میان ملت های زیر ستم، به بزرگ ترین و مردمی ترین انقلاب عصر جدید همت گماشته؛ کار را به نهایت رسانده و به جز تغییر حکومت، آرمان های انقلابی را حفظ کرده، چهل سال از کرامت و اصالت شعارهایش صیانت کرده است و از طرفی چنین ملتی با وارد به دوّمین مرحله ی خودسازی، جامعه پردازی و تمدّن سازی وارد فرایند بزرگ و جهانی شده و ایران مقتدر، با حضور در غرب آسیا و حمایت از جریان مقاومت در سراسر منطقه فرایند تحقق امت واحده را تکمیل می نماید. لذا بر اساس نگاه مقام معظم رهبری در بیانیه، فرایند جامعه پردازی ایران اسلامی از سویی با قوی شدن ملت ایران و از سوی دیگر با نهضت بیداری امت اسلامی بر اساس الگوی مقاومت در برابر غرب؛ شکست سیاست های آمریکا و گسترش حضور قدرتمندانه ی سیاسی در غرب آسیا اهداف گام دوم را محقق و انقلاب را به آرمان بزرگ ایجاد تمدن نوین اسلامی نزدیک خواهد کرد. لذا؛ در الگوی مد نظر بیانیه، دولت حذف نمی شود بلکه وسیله ای برای ملت-امت سازی و تحقق تمدن نوین اسلامی خواهد بود.

۵. شاخص های جامعه پردازی بیانیه گام دوم

براساس الگوی دولت - ملت در بیانیه بعد از نظام سازی و دولت سازی؛ جامعه پردازی و ملت سازی مرحله ای اساسی برای تأسیس تمدن نوین اسلامی، خواهد بود. با توجه به بحران های متعدد اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، هویتی، معنوی و سیاسی تمدن غرب؛ لاجرم مسیر جامعه پردازی ملت و امت اسلامی می بایست از مسیرالگوی سکولار غربی دولت-ملت متمایز باشد، تحقق این تمدن مستلزم رشد و پیشرفت جامعه در جنبه های مختلف حیات انسانی بویژه در جنبه ها و شاخص های زیر است؛ ازاین رو، در ادامه، ملزومات جامعه پردازی در بیانیه گام دوم انقلاب را بررسی خواهیم نمود:

۱/۵. پیشرفت بر اساس الگوی ایرانی اسلامی

الگوی جا افتاده و عادی کشورهای جهان سوم و کشورهای اسلامی در تاریخ معاصر تقلید از توسعه خطی به سبک غربی بوده است، اما این الگو در بیشتر اوقات یا نتیجه عکس داده و یا توسعه ای نامتوازن و موقتی را بر پایه اقتصادهای رانتیری و نفتی به همراه آورده است و به اقتصاد شکوفا و تولید محور منجر نشده است. به تعبیر رهبری: «قله ای باشکوه این الگوی غربی سرمایه داری، آمریکا است که وضعیّت آن را مشاهده می کنید که به معنای واقعی کلمه یک الگوی شکست خورده است. بیشتر از همه جا در آمریکا ارزشهای بشری دارد لگدمال میشود. با این نظام های حکومتی، بایستی ارزشها را زنده کنند؛ حالا ارزش های دینی به کنار، ارزش های معنوی که آنها به آن توجه هم ندارند، احساس هم نمیکند آنها را، به کنار؛ ارزشهای بشری، ارزشهایی که عقل های بشر آنها را می فهمد، [یعنی] مسئله ای امنیّت، مسئله ای سلامت، مسئله ای عدالت، اینها دارد بکلی در این الگوی مسلط غربی بیش از همه جا لگدمال می شود.» (خامنه ای، ۱۳۹۹/۶/۲)

بر اساس الگوی ملت-امت در مرحله اول باید ملت ایران بعنوان ملت اسوه و پیشتاز با عملی کردن شعارهای فطری انقلاب و بر پایه اقتصادی درون زا و برون نگر قوی گردد و سپس سر ریزهای اقتصاد تولیدی را به جهان اسلام و جهان سوم توسعه دهد. بدیهی است که برخورد تمدنی غرب مشکلات و بحران های زیادی برای انقلاب اسلامی ایجاد خواهد کرد، اما الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت براساس مفاهیم زیر این خسارت ها را جبران می کند: ارتقاء بیش سیاسی آحاد مردم؛ تعادل و انعطاف در رفتار سیاسی؛ اتخاذ استراتژی کلان ساخت ایران اسلامی بزرگ و استمرار تقابل دوگانه ای جدید «اسلام و استکبار» و اجرای سیاست های اقتصاد مقاومتی. بنابراین،

بر اساس این مفهوم از پیشرفت در بیانیه؛ الگوی پیشرفت و توسعه در گام دوم انقلاب اسلامی در مقایسه با شاخص های الگوی توسعه در غرب در جهت تحقق بخشی به شعارهای آزادی، اخلاق، معنویت، عدالت، استقلال، عزت، عقلانیت، برادری و ارزش های دینی خواهد بود، پیشرفت های چهل ساله ی ملت ایران در مقایسه با انقلاب های فرانسه، شوروی و انقلاب هند بر اساس الگوی اسلامی ایرانی پیشرفت، «مدیریت های جهادی الهام گرفته از ایمان اسلامی و اعتقاد به اصل "ما می توانیم"» به دست آمده است (بیانیه).

۲/۵. تقویت هویت ملی و اسلامی

از اهداف و حوزه های اصلی جامعه پذیری در هر نظام سیاسی تقویت و بازسازی هویت ملی بعنوان یکی از عوامل اصلی پایداری نظام های سیاسی و اجتماعی است، پس از پیروزی انقلاب اسلامی هویت ملی در فرایند تجدید شالوده ریزی اجتماعی، زمینه بازسازی، بازتعریف و باز تفسیر هویت ملی ایرانی با معیارهای دین اسلام، به عنوان کامل ترین دین فراهم شد (شهرام نیا و مسعودی نیا، ۱۳۹۲: ۳۷). مولفه های هویت ملی ایرانیان بعد انقلاب؛ همچون ولایت مداری، وظیفه گرایی در راستای برقراری حکومت عدل جهانی، معنویت گرایی در حیات اجتماعی، فرهنگ یکپارچگی امت، فرهنگ انتظار و کوشش مصرانه برای بسترسازی ظهور و فرهنگ راهبردی استقامت بر ارتقاء هویت ایرانیان برای دست یابی به قدرت نرم فزاینده در سطوح ملی و بین المللی بوده است (قربی، ۱۳۹۶: ۱۳۱). تجدید هویت اسلامی ایرانیان موجب شکوفایی انقلاب اسلامی در مواجهه با تهدیدات خارجی شده است. در چهار دهه ی گذشته، به سبب آرمان ها و ارزش های جهانی، انقلاب مورد حمله ی مستمر در اشکال و سطوح مختلف بوده تا از رشد و اشاعه ی آن جلوگیری شود؛ اما این تهدیدات به سبب ظرفیت و قابلیت هویت جدید ایرانی اسلامی توفیق چندانی کسب نکرده اند (چگینی، ۱۳۹۷: ۱۴۵). ولی حضور نظام اسلامی در قالب الگوی ملت-امت از شکست ها و کامیابی ها را خواهد کرد و با تعیین هدف تمدنی رسالت جهانی ملت ایران را در برابر هویت ها و فرهنگ های گوناگون مدعی بازتعریف می نماید. از دیدگاه آیت الله خامنه ای در بیانیه، مردم سالاری دینی انقلاب سال ۱۳۵۷ش به انحطاط و حقارت ملی تاریخی ایرانیان پایان داد، هم «عنصر اراده ی ملی را که جان مایه ی پیشرفت همه جانبه و حقیقی است در قانون مدیریت کشور وارد کرد» و هم بدون تجربه قبلی با «ترکیب جمهوریت و اسلامیت و ابزارهای تشکیل و پیشرفت آن»، هدایت الهی و اندیشه ی امام خمینی ره در جهت آرمان بزرگ

ایجاد تمدن نوین اسلامی و عصر ظهور حرکت کرد(بیانیه).

۳/۵. ارتقاء رفاه و پیشرفت اقتصادی

در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، اقتصاد قوی، نقطه‌ی قوت و عامل مهم نفوذناپذیری کشور و اقتصاد ضعیف، نقطه‌ی ضعف و زمینه‌ساز دخالت دشمنان تلقی شده است. از دیدگاه رهبری راه نجات از اقتصاد ضعیف و وابسته و فاسد دوران طاغوت، عملکردهای ضعیف، تحریم، عیوب ساختاری و ضعف‌های مدیریتی اعم از وابستگی اقتصاد به نفت، دولتی بودن بخش‌هایی از اقتصاد، نگاه به خارج، استفاده‌ی اندک از ظرفیت نیروی انسانی کشور، بودجه‌بندی معیوب و نامتوازن، عدم ثبات سیاست‌های اجرائی اقتصاد، عدم رعایت اولویت‌ها، وجود هزینه‌های زائد، بیکاری و فقر؛ اعمال سیاست‌های اقتصاد مقاومتی مشتمل بر درون‌زایی اقتصاد کشور، مولد شدن و دانش‌بنیان شدن اقتصاد، مردمی کردن اقتصاد و تصدیگری نکردن دولت، برون‌گرایی با استفاده از ظرفیت‌ها می‌تواند به توسعه و رفاه اقتصادی منتهی شود(بیانیه). الگوی اقتصاد مقاومتی علمی و متناسب با نیازهای کشور است، در کشورهای پیشرفته بکار گرفته می‌شود و مختص ایران نیست، درون‌زا و برون‌گراست و به ظرفیت‌های تولید داخل کشور و منافع ارتباط با دیگر کشورها بصورت همزمان توجه می‌کند؛ از ظرفیت‌ها و امکانات کشور و مردم بهره می‌برد و با اقتصادهای جهانی تعامل دارد؛ مردم‌بنیاد است و بر محور اقتصاد دولتی نیست؛ با اراده، سرمایه و حضور مردم تحقق می‌یابد؛ دانش‌بنیان و عدالت‌محور و به‌معنای تولید و افزایش ثروت ملی است(خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۱/۰۱). از نظر ایشان، اقتصاد مقاومتی از عرصه علمی تا فعالیت‌های فنی، خدمات، بازرگانی و صادرات و واردات، و آموزش در دانشگاه‌ها و دبیرستان‌ها را شامل می‌شود: «اقتصاد مقاومتی، اثباتی دارد و نفی‌ای. اثباتش همین است که ما یاد بگیریم که به سمت تولید داخلی رو بیاوریم. عمده، تولید است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۱/۲۴).

۴/۵. مبارزه با فساد و برقراری عدالت

بر مبنای بیانیه گام دوم، عدالت و مبارزه با فساد لازم و ملزوم یکدیگرند و فساد اقتصادی، اخلاقی و سیاسی، موجب ضربه جدی به مشروعیت جمهوری اسلامی که به دلیل دینی بودن نیازمند مشروعیتی فراتر از مشروعیت‌های مرسوم خواهد بود؛ استقرار عدالت و مبارزه با فساد اداری مستلزم ایجاد دستگاهی دائم، کارآمد و قاطع در قوای سه‌گانه و ایجاد فرهنگ طهارت اقتصادی بعنوان شرط تصدی مقامات حکومت جمهوری اسلامی؛ بکارگیری منابع انسانی جوان،

بایمان و جهادگر است. این سطح از عدالت کافی نیست و به نظر رهبری «آنچه تاکنون شده با آنچه باید میشده و بشود، دارای فاصله‌ای ژرف است. در جمهوری اسلامی، دل‌های مسئولان به‌طور دائم باید برای رفع محرومیت‌ها بتپد و از شکاف‌های عمیق طبقاتی بشدت بیمناک باشد. در جمهوری اسلامی کسب ثروت نه‌تنها جرم نیست که مورد تشویق نیز هست، اما تبعیض در توزیع منابع عمومی و میدان دادن به ویژه‌خواری و مدارا با فریبگران اقتصادی که همه به بی‌عدالتی می‌انجامد، بشدت ممنوع است» (بیانیه).

از دیدگاه رهبری تحول بنیادین اداری برای پیشرفت سیاسی و اجتماعی ضروری و مستلزم جوانگرایی در حکمرانی است؛ اجرای سیاست‌ها، مبارزه با فساد، رفع محرومیت‌ها و تبعیض‌ها و برقراری عدالت محقق خواهد شد «اگر زمام‌داری بخش‌های گوناگون کشور به جوانان مؤمن و انقلابی و دانا و کاردان - که بحمدالله کم نیستند - سپرده شود» و شرط ساختن ایران به عنوان الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی تحول بنیادین اداری و دادن مسئولیت به مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، به مثابه مهم‌ترین ظرفیت امیدبخش کشور در همه‌ی میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی با نگاه و روحیه‌ی انقلابی، عمل جهادی و اعتقاد به اصل «ما میتوانیم» است (بیانیه).

۵/۵. تقویت اعتماد ملی و سرمایه اجتماعی با محوریت جوانان

در انقلاب سال ۱۳۵۷ ش. با «تبدیل سلطنت استبدادی به حکومت مردمی و مردم‌سالاری» به «انحطاط تاریخی طولانی پایان داد» (بیانیه)؛ مردم‌سالاری دینی در این مفهوم، نظامی مردمی است که با دین اسلام همراه و مورد پذیرش عموم مردم است؛ و امری التقاطی و ترکیبی بین فرهنگ غربی و تفکر و شریعت اسلامی نیست و انتخابات و تکیه به آرای مردم، جزو دین و شریعت اسلامی است. همچنین در مردم‌سالاری دینی، شریعت اسلامی چهارچوب نظم سیاسی و مدنی و با آزادی‌های عمومی و مدنی افراد، استقلال ملی، عدالت و معنویت، همراه و هماهنگ است (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۲۹). بنابراین، در نظم سیاسی و مدنی مردم‌سالاری دینی، شریعت اسلامی چهارچوب قانون‌گذاری، اجرا، عزل و نصب و رفتارهای عمومی است و گردش کار در این نظام، به‌وسیله‌ی آحاد مردم است، «نماینده‌ی مجلس را انتخاب می‌کنند؛ رئیس‌جمهور را انتخاب می‌کنند؛ وزرا را با واسطه انتخاب می‌کنند؛ خبرگان را انتخاب می‌کنند؛ رهبری را با واسطه انتخاب می‌کنند. کار، دست مردم است». بنای عظیم انقلاب اسلامی، متکی به دو پایه است: مردم‌سالاری و التزام به

شریعت اسلامی. شریعت اسلامی با آزادی‌های عمومی و مدنی در تقابل نیست و موجب تضمین آزادی و استقلال ملت از نفوذ و سیطره بیگانگان، و عدالت و معنویت است: «امام بزرگوار ما شریعت اسلامی را - که روح جمهوری اسلامی است - مورد تکیه قرار داده؛ مردم‌سالاری دینی را هم که یک وسیله و ابزار است - که آن هم متخذ از شریعت است - مورد تکیه قرار داده است» (خامنه‌ای، ۱۳۹۳/۰۳/۱۴). لذا، یکی از الزامات گام دوم انقلاب اسلامی توسعه مردم‌سالاری دینی است، چراکه عدم توسعه دولت اسلامی مردم‌سالار در ابعاد «کارشناسان و کارگزاران»، «نظامات و ساختارها» و «علوم انسانی پشتیبان»، مهم‌ترین کاستی نظام اسلامی در تحقق بخشیدن به نظم سیاسی مبتنی بر دین و تحقق الگوی اسلامی - ایرانی پیشرفت در چهل سال اول انقلاب بوده است (طاهری خسروشاهی و دیگران، ۱۳۹۹، ۲۲۱). ایران به الگوی کامل نظام پیشرفته‌ی اسلامی در صورتی دست خواهد یافت که «مدیران جوان، کارگزاران جوان، اندیشمندان جوان، فعالان جوان، در همه‌ی میدان‌های سیاسی، اقتصادی، فرهنگی و بین‌المللی و نیز در عرصه‌های دین، اخلاق، معنویت و عدالت» با نگاه و روحیه‌ی انقلابی و عمل جهادی مسئولیت‌ها بپذیرند (بیانیه).

۶/۵. اصلاح سبک زندگی

مساله سبک زندگی با رویکرد اسلامی و تمدنی برای نخستین بار و به شکلی جدید و کاربردی در سخنان مقام معظم رهبری بیان شده است. از دیدگاه آیت‌الله خامنه‌ای، یکی از موضوعات بنیادین هر جامعه، فرهنگ آن جامعه و سبک زندگی مردم است که بر پیشرفت سیاسی، اجتماعی و هویتی تاثیر مهمی دارد، «این خیلی مسئله مهمی است که سبک زندگی ما را به کدام طرف دارد می‌کشاند. این نگاه، نگاه سیاسی است که می‌بیند از فرهنگ سرچشمه می‌گیرد؛ بنابراین در دل فرهنگ، سیاست هم هست. با این نگاه، به حوادث جامعه باید نگاه کرد» (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۵/۳۱). استقلال فرهنگی و سبک زندگی اصیل ایرانی - اسلامی موجب استقلال اقتصادی است؛ زیرا استقلال فرهنگی، انتخاب سبک زندگی اسلامی - ایرانی در معماری، زندگی شهری، زیست انسانی و پیوندهای اجتماعی را شامل می‌شود. نظام سلطه به وسیله مهندسی اطلاعات به دنبال ترویج تقلید از غرب و بیگانه و تسلط بر فرهنگ و وابستگی فرهنگی است. ابزارهای مدرن جدید ارتباطی، مانند رادیو و تلویزیون، اینترنت، فضای مجازی و دستگاه‌های اطلاعاتی و ابزارهای اطلاعاتی را باید از اختیار دشمن و ابزار نفوذ فرهنگی و سلطه فرهنگی خارج کرد و در مسیر استقلال فرهنگی به کار گرفت (خامنه‌ای، ۱۳۹۵/۰۳/۱۴). یکی از مهم‌ترین اهداف تمدن

غرب، تغییر سبک زندگی مسلمانها و تشبیه و تقلید از سبک زندگی غربی‌ها با جذابیت‌های تبلیغاتی است؛ درحالی‌که اسلام سبک زندگی کاملی مشتمل بر اخلاق و ادب در برخوردهای معمولی، گفتارها، مخاطبات و مخالفت و نقد محترمانه و به‌دور از هتاک و بی‌ادبی عرضه کرده است (خامنه‌ای، ۱۴/۱۰/۱۳۹۴).

از دیدگاه رهبری در بیانیه گام دوم، تلاش غرب در ترویج سبک زندگی غربی در ایران با ابزارهای رسانه‌ای پیشرفته و فراگیر، امکان بسیار خطرناکی در اختیار کانون‌های ضدّ معنویت و ضدّ اخلاق نهاده و زیان‌های جبران‌ناپذیر اخلاقی، اقتصادی، دینی و سیاسی به کشور و ملت زده است؛ مقابله با این تهاجم روزافزون دشمنان به شیوه زندگی جوانان، نوجوانان و حتی نونهالان، جهادی همه‌جانبه، هوشمندانه و برنامه‌های کوتاه‌مدت و میان‌مدت جامعی می‌طلبد (بیانیه).

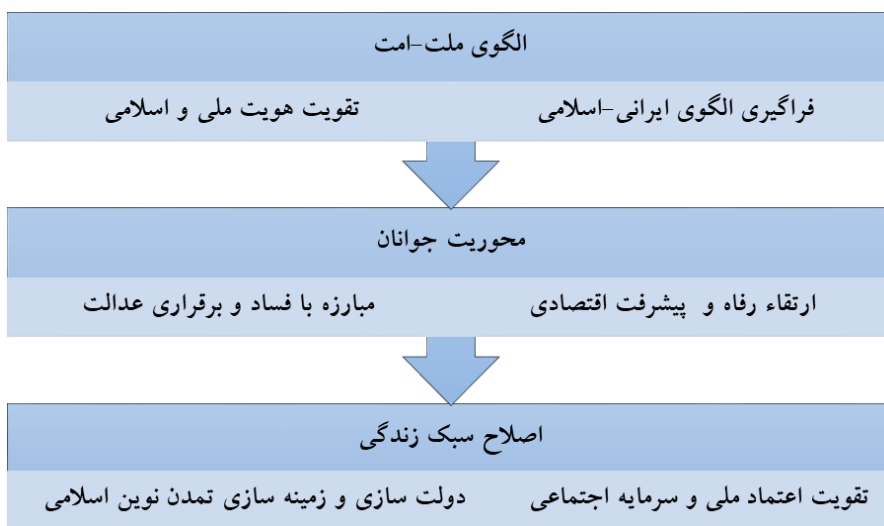
۷/۵. دولت‌سازی و زمینه‌سازی تمدن‌نوی اسلامی

در نظام‌های مبتنی بر دموکراسی پارلمانی، پارلمان نقش برتری در کنترل روابط قوا با یکدیگر و همچنین با شهروندان دارد. در کشور ما برداشت از این برتری بر مبنای سنت مشروطه‌خواهی ایرانی به شکلی رقم خورده که مطابق اصل ۷۱ قانون اساسی، قانونگذاری در عموم مسائل، به‌خصوص مسائل اداری را حق مجلس شورای اسلامی قرار داده است. اما این نقش‌آفرینی قوه مقننه در کنترل تصمیمات و اقدامات اداری قوه اجرایی، لزوماً به قانونمندی اداره و حفظ کارکردهای مطلوب آن منتهی نشده است. گستره فزاینده قوانین وضع‌شده همراه با مقررات‌گذاری متنوع دولت، ستادها و شوراهای تصمیم‌گیر در این عرصه، نه‌تنها توان نظام اداری کشور را در تأمین کارآمد و به‌روز خدمات عمومی جامعه با چالش مواجه کرده، بلکه در زمینه مسائل اداری از جمله صلاحیت کارکردی، نظام استخدام، مالی، اداری و غیره نیز ابهامات فراوانی را برای این نظام ایجاد کرده و در نهایت کنترل‌پذیری قدرت اداره ایرانی را با ناکارآمدی مواجه ساخته است (مرادخانی و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹).

ناتوانی و ناکارآمدی سیستم ریاستی در گام اول انقلاب که با ایجاد حاکمیت دوگانه، بحران آفرینی و عدم امکان مهار رییس جمهور توسط قوه مقننه یا قضاییه بعد از انتخاب همراه بوده تغییرات اساسی از سیستم ریاستی به پارلمانی را برای اعمال اراده مردم ضروری نموده است، همانطور که رهبری در سفر چند سال پیش به کرمانشاه و در جمع دانشجویان امکان آن را مطرح فرمودند، «در شرایط فعلی نظام سیاسی کشور، ریاستی است و رئیس‌جمهور با انتخاب مستقیم

مردم برگزیده می‌شود که شیوه خوب و مؤثری است اما اگر روزی در آینده احتمالاً دور، احساس شود که نظام پارلمانی برای انتخاب مسئولان قوه مجریه بهتر است هیچ اشکالی در تغییر ساز و کار فعلی وجود ندارد». بر اساس بیانیه گام دوم و در راستای پیشرفت سیاسی ملت و دولت ایران، چاره ای جر سنگین نمودن کفه پارلمانی شیوه اداره کشور نیست، چون همانطور که در بیانیه آمده است، انقلاب ملت ایران بزرگ‌ترین و مردمی‌ترین انقلاب عصر جدید بوده؛ رژیم سلطنت استبدادی را به حکومت مردمی و مردم‌سالاری تبدیل و عنصر اراده‌ی ملی در قانون مدیریت کشور وارد کرده؛ مشارکت مردمی را در مسائل سیاسی مانند انتخابات، مقابله با فتنه‌های داخلی، حضور در صحنه‌های ملی و استکبارستیزی به اوج رسانیده؛ بینش سیاسی آحاد مردم و نگاه آنان به مسائل بین‌المللی را ارتقاء داده است. از طرفی حقوق شهروندی و آزادی اجتماعی به معنای حق تصمیم‌گیری، عمل و اندیشیدن برای همه‌ی افراد جامعه از جمله‌ی ارزش‌های اسلامی و عطیه‌ی الهی به انسان‌ها است و تفضّل حکومت به مردم نیست (بیانیه).

بر اساس الگوی جامعه پردازی در بیانیه، پس از جامعه پردازی و ملت سازی موفق در محدوده جغرافیایی ایران اسلامی و دستیابی به پیشرفت همه جانبه و الگوی دولت کارآمد اسلامی؛ دیگر جوامع اسلامی نیز به تبعیت از این الگو رو خواهند آورد و اجماع امت اسلامی بو منصفه ظهور خواهد رسید و زمینه تاسیس تمدن نوین اسلامی و ظهور و غلبه حاکمیت اسلام به وجود خواهد آمد.



- شاخص‌های جامعه پردازی بیانیه گام دوم

نتیجه گیری

همانطور که در شکل فوق ترسیم شده است؛ آنچه در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، مورد توجه و تاکید قرار گرفته است شناخت نقاط ضعف نظام مردم سالاری دینی یرآمده از انقلاب اسلامی ۱۳۵۷ش. و الزامات حرکت به سمت ایجاد جامعه ای پیشرفته، مسولیت پذیرو خودساخته، و در نهایت تاسیس تمدن نوین اسلامی است. این پیشرفت و تحول برپایه امید و اراده مردم و مسولین در بین جامعه ایرانی و ملت ها و دولت های اسلامی، در مقابل هیمنه تمدن سکولار غرب و بربنیان الگوی بومی و دینی ایرانی-اسلامی اتفاق خواهد افتاد. بر اساس مفاد بیانیه برای پیشرفت همه جانبه در گام دوم انقلاب اسلامی تقویت هویت ملی و اسلامی و تقویت اعتماد ملی و سرمایه اجتماعی نظام با محوریت جوانان بر اساس الگوی دموکراسی امت و نه ملی گرایی؛ تحول بنیادین اقتصاد مصرفی وابسته به نفت به اقتصاد تولیدی مقاوم؛ اصلاح سبک زندگی و تقویت بعد پارلمانی حاکمیت، ضروری خواهد بود. این الگوی جامعه پردازی برای حرکت به دولت کارآمد و زمینه سازی تاسیس تمدن نوین اسلامی باید به سمت اتکای بیشتر به مردم در اداره امور و تاسیس نهاد های جدید برای پیشگیری از بحران ها نیاز خواهد داشت که چستی و چگونگی این نهادها، می تواند موضوع پژوهش های جدید باشد.

منابع

- اقبال، حدیث و رجبی فرجاد، حاجیه (۱۳۹۹). الگوی حکمرانی خوب در بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، پژوهش های انقلاب اسلامی، ۹(۳۴)، ۳۲-۹.
- رودگر نژاد، فروغ (۱۴۰۰). بررسی مؤلفه های خودسازی در بیانیه گام دوم انقلاب، رهیافت های نوین در مدیریت جهادی و حکمرانی اسلامی ۱(۱)، ۱۲۶-۱۳۸.
- مهرابی، امیر حمزه و مهرابی، مهدی (۱۳۹۹). مدل توانمند سازی جوانان برای تحقق حکمرانی اسلامی مبتنی بر بیانیه گام دوم انقلاب، حکمرانی متعالی، ۱(۳)، ۶۳-۹۱.
- امیرکواسمی، ایوب (۱۳۹۰). بحران دولت-ملت و آینده ی احتمالی آن، پژوهش سیاست نظری، ۹(۶)، ۸۱-۱۰۲.
- جلائی پور، حمیدرضا (۱۳۸۸). جامعه و دولت معاصر در ایران تمهیدی نظری برای ارزیابی تکوین دولت-ملت، جامعه شناسی ایران، ۱۰(۲)، ۵۴-۳۲.
- شهرام نیا، سیدامیرمسعود و مسعودی نیا، ابراهیمی (۱۳۹۲). تأثیر انقلاب اسلامی ایران در هویت بخشی به جوانان ایرانی، پژوهش های سیاسی، ۶(۳)، ۳۷-۵۲.
- چگینی، عباس (۱۳۹۷). نقش هویت ملی در مقابله با تهدیدات آینده، سیاست دفاعی، ۲۷(۱۰۵)، ۱۴۵-۱۷۳.
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۱/۰۱). سخنرانی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۳/۰۳/۱۴). سخنرانی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۳/۱۴). سخنرانی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۴/۱۰/۱۴). سخنرانی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۹/۰۴/۲۲). سخنرانی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).
- خامنه ای، سیدعلی (۱۳۹۷/۱۱/۲۲). بیانیه گام دوم انقلاب اسلامی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).

- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۱/۲۴). سخنرانی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۳/۲۹). سخنرانی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).
- خامنه‌ای، سیدعلی (۱۳۹۵/۰۵/۳۱). سخنرانی، سایت رهبر انقلاب، تاریخ مشاهده ۱۴۰۰/۰۳/۰۱، آدرس بازیابی: (khamenei.ir).
- رحیمی، علیرضا (۱۳۹۶). استراتژی های ملت سازی و توسعه ناموزون در ایران، مطالعات راهبردی، ۲۰ (۴)، ۶۵-۱۰۱.
- رفیعی آتانی، مریم، طاحونی، پوران (۱۳۹۹)، رسالت ایران‌شناسی: دولت - ملت ایرانی یا جهان ایرانی (شکل‌گیری دانش ایران‌شناسی ایرانی در اواخر قرن نوزدهم و اوایل قرن بیستم میلادی)، جستارهای تاریخی ۱۱ (۱)، ۱-۱۹.
- زرگر، افشین (۱۳۸۶)، مدل‌های دولت-ملت سازی؛ از مدل اروپایی تا مدل اوراسیایی، علوم سیاسی، ۴ (۷)، ۹۷-۱۶۰.
- سرپرست سادات، سیدابراهیم (۱۳۹۸)، جامعه پردازی درگام دوم انقلاب اسلامی با نظریه «نظام انقلابی، نظریه‌های اجتماعی متفکران مسلمان، ۹ (۲)، ۲۸۱-۳۰۲.
- طاهری خسروشاهی، محمدحسین؛ لک زایی، شریف و طوسی، فاطمه (۱۳۹۹). دین و دولت: بایسته‌های الگوی مردم‌سالاری دینی در دولت‌سازی، سیاست متعالیه، ۸ (۳۱)، ۲۴۴-۲۲۱.
- فروودی مقدم، محمدرامبد و قوام، عبدالعلی (۱۳۹۹). دولت - ملت سازی ابتر ریشه بحران‌های اخیر خاورمیانه، سیاست و روابط بین الملل، ۴ (۷)، ۲۷۹-۳۱۰.
- فسایی، جعفر؛ خجسته، فرامرز و رسول، محمدی (۱۳۹۹). تحلیل بازتاب ایدئولوژیک تضاد تاریخی دولت-ملت در داستانهای کوتاه محمود دولت‌آبادی، پژوهش‌های ادبی، ۱۷ (۶۷)، ۸۳-۱۰۹.
- قربانی، مصطفی و محمدی الموتی، محسن (۱۳۹۸). ابعاد، شاخص‌ها و الزامات نظریه نظام انقلابی، اندیشنامه ولایت، ۵ (۹)، ۵۶-۳۳.
- قربی، سیدمحمدجواد (۱۳۹۶). فرهنگ سیاسی و قدرت نرم در انقلاب اسلامی؛ موردکاوی سند مولفه های هویت ملی ایرانیان، مطالعات عملیات روانی، ۴۶ (۱۲)، ۱۳۱-۱۵۴.

قوام، عبدالعلی، قیصری، محمد (۱۳۹۱). ملی گرایی و دولت-ملت سازی در خاورمیانه، مطالعات خاورمیانه، ۷۱ (۱۹)، ۱۱-۳۶.

مرادخانی، فردین؛ خورشیدی، حسین و بنده علی، فرشید (۱۳۹۸). سیاست تقنینی حاکم بر نظام اداری ایران «با نگاهی به قانونگذاری در زمینه نهادهای عمومی غیردولتی»، دانش حقوق عمومی، ۸ (۲۶)، ۶۹-۸۸.

مریجی، شمس الله (۱۳۹۸). مبانی و عوامل تحقق تغییرات اجتماعی در بیانیه گام دوم انقلاب، علوم سیاسی، ۲۲ (۸۷)، ۷۹-۹۶.

ملایی، اعظم و ازغندی، علیرضا (۱۳۹۰). دولت-ملت سازی ایرانی: تداوم تاریخی یا تغییرات سیاسی، علوم سیاسی، ۴ (۱۵)، ۱۳۷-۱۶۸.

نجفی سیار، رحمان و نیکونهاد، ایوب (۱۳۹۹). شاخص‌های حکمرانی مطلوب «دولت تراز انقلاب اسلامی» مطابق با بیانیه گام دوم، مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، ۱۰ (۴۱)، ۲۰۰-۱۷۳.
نوده فراهانی، اسماعیل (۱۳۹۹). الگوی حکمرانی گام اول انقلاب و دلالت‌های سیاست‌گذارانه «بیانیه گام دوم»، اسلام و علوم اجتماعی، ۱۲ (۲۳)، ۵-۳۲.

Hughes, Christopher (1999). "Robert Stone Nation-Building and Curriculum Reform in Hong Kong and Taiwan". *China Quarterly*. 160: 977–991. doi:10.1017/s0305741000001405,

Khademi, A., Taghizadeh, F., & Mohammadi, N. (2021). The Status Ology of the Revolutionary Government in the Second Phase of the Islamic Revolution Emphasizing the Intellectual System of the Supreme Leader. *Journal of Contemporary Research on Islamic Revolution*, 3(8), 93-116. doi: 20.1001.1.26767368.2021.3.8.5.7